

انحلال و غرامت و ضبط اموال را میتوان بر آنها  
اجراء کرد

### مسئولیت جزائی انسان

انسان موقعی که مرتکب جرمی گشت مقصر است و  
باید مجازات شود لیکن دورشته امور باعث رفع مسئولیت  
جزائی اوگشته و از مجازات نجاتش میدهند

#### ۱ - علل عدم تقصیر

Causes de non culpabilité

#### ۲ - انفاقات رافع تقصیر

Faits justificatifs

#### ۱ - علل عدم تقصیر

در جرائم ارتكابی اطفال خرد سال و دیوانگان و یا  
جرائم ارتكابی از روی اجبار و عنف فاعل را قانون مجرم  
نشناخته و مجازات نمیکند در اینگونه موارد عنصر اخلاقی  
یکی از عوامل تشکیل دهنده جرم وجود ندارد زیرا اطفال  
غیر ممیز و مجنون دارای اراده و تفکری نیستند و در جرم

ارتكابی از روی اجبار و عنف اراده فاعل در ارتكاب آن  
آزاد نبوده و الا ممکن بود مرتکب نشود پس در این حالات  
جرمی صورت نگرفته تا فاعل مستحق مجازات گردد

#### ۲ - انفاقات رافع تقصیر

در این حال جرم صورت گرفته سه عامل مشکله آن  
وجود دارند فاعل از روی اراده و قصد مرتکب شده است  
لیکن اموری در حین ارتكاب دخالت داشته اند که رفع مسئولیت  
جزائی از فاعل میکنند چنانکه در مقام دفاع از نفس و  
ناموس و مال کسی را کشته و یا مجروح ساخته است

فرق ایندو سنخ علل اینست که شق اول شخصی هستند  
فقط بحال شخصی طفل غیر ممیز و دیوانه و یا مجبور مفید  
واقع میشوند In personam و بحال سایر اشخاصیکه در  
جرم شرکت داشته اند تأثیری ندارد لیکن شق ثانی جنبه  
عمومیت ( In rem ) دارند بطور مطلق در مقابل کلیه  
مجرمین جرم را از بین میبرد

دکتر آشوب خاتمه

## در بیان ودیعه و مطالب متعلقه بعقد ایداع و شروط آن

از مغازه خارج گردد مال مزبور در نزد صاحب مغازه ودیعه  
است و اگر صاحب مغازه در ابتدای امر قبول ننماید ودیعه  
منعقد نمیگردد.

۵ - هرگاه مالی را یک نفر یا چند نفر نزد جماعتی  
ودیعه گذارند و آن جماعت در موقع ودیعه گذاردن ساکت  
باشند مال مزبور در نزد تمام آنها ودیعه خواهد بود و چنانچه  
یکی بعد از دیگری از آن محل برخیزند و بروند و بیش از یک نفر  
باقی نماند آن مال در نزد همان یک نفر ودیعه است و حفظ مال  
مزبور بعهده همان یک نفر است.

۶ - مودع و مستودع هر کدام میتوانند ایداع را هر  
موقع که بخواهند فسخ کنند.

### در بیان شرایط

۷ - باید ودیعه قابلیت قبض و اقباض را داشته باشد که  
بتوان آنرا قبض نمود بنابراین کبوتری که در هوا مشغول پریدن

۱ - ودیعه عبارت از سپردن مالی است بدیگری  
بطریق امانت که آن را نگاه بدارد و در هر وقت که صاحبش  
آن را بخواهد رد نماید.

۲ - شخص ودیعه گذار را مودع و ودیعه گیرنده را  
مستودع و با امین نامند و منعقد میگردد ایداع با ایجاب و قبول  
بهر لفظیکه دلالت بر این معنی نماید و هرگاه ودیعه گذار بگوید  
مال خود را سپردم تو و یا امانت در نزد تو گذاردم و مستودع  
پاسخ دهد که قبول کردم عقد ودیعه منعقد گردیده است.

۳ - چنانچه شو فری برای اتومبیل خود محلی را  
از صاحب کاراژ بخواهد و مشارالیه محلی برای اتومبیل او  
معین کند و شو فر اتومبیل خود را در آن محل قرار دهد  
عملاً ودیعه خواهد بود.

۴ - همچنین اگر شخصی جنس خود را در مغازه  
بگذارد و صاحب مغازه به پیشند و ساکت بماند و صاحب جنس

است و قبض در آن ممکن نیست نمیتوان بودیعه گذارد.

۸ - باید مودع و مستودع هر دو بالغ ورشید باشند بنا براین ودیعه گذاردن مجنون و صغیر و سفیه و یا ودیعه گرفتن از آنها صحیح نیست مگر با اجازه ولی و یا قیام قانونی آنها.

در بیان احکام ودیعه و ضمان مترتبه بر آن

۹ - و بیعه امانت است و چنانچه بدون تعدی و تقصیری از طرف مستودع تلف شود ضامن نمیشد.

۱۰ - هرگاه مودع برای حفظ ودیعه اجرت بدهد و در نزد مستودع تلف و یا گم گردد مستودع ضامن است - مثلاً اگر ساعتی را شخصی ودیعه گذارده باشد در پیش مستودع و برای حفظ آن اجرتی قرار داده باشد و بدون اراده ساعت از دست مستودع بزمین بخورد و بشکند ضامن است.

۱۱ - اگر شخص مالی که در نزد دیگری است ودیعه بگذارد و برای حفظ آن مال اجرتی تعیین کند پس از آن مال مفقود گردد بسببی که تحرز از آن برای مستودع ممکن بوده است مثل سرقت و غیره مستودع نیز ضامن است.

۱۲ - گفته اند که اگر شیشی از دست نوکر مستودع بیفتد بر روی ودیعه و بشکند و یا تلف گردد نوکر ضامن میباشد ۱۳ - هر عملی را که مستودع بر ودیعه بنماید و مودع رضایت نداشته باشد و از عمل مستودع ضرری حاصل گردد ضرر بر عهده فاعل است.

۱۴ - مستودع شخصاً باید ودیعه را حفظ نماید بطوریکه مال خود را حفظ میکند.

۱۵ - نفوذ و جواهرات که ودیعه گذارده میشود مستودع باید بر حسب عادت و عرف آنها را حفظ نماید و چنانچه در حفظ نمودن کوتاهی نمود و تلف شد ضامن میباشد.

۱۶ - اگر مستودع جماعتی متعدد باشند ودیعه قابل تقسیم نباشد حفظ ودیعه بر عهده یکی از آن جماعت است باذن سایرین و یا آنکه مستودعین باید به تناوب ودیعه را حفظ کنند و در این دو صورت اگر ودیعه بدون تعدی و تقصیر تلف گردید ضامن نخواهند بود.

۱۷ - هرگاه ودیعه قابل تقسیم باشد مستودعین باید بالویه ودیعه را تقسیم نمایند و هر یک مکلف به حفظ مقداری هستند که در نزد خودشان است در این صورت حق ندارند هیچ

کدام بدون اذن مودع مقداریکه در پیش شان ودیعه است بدیگری بسپارند و چنانچه حصه خود را بدیگری سپردند و بدون تعدی و تقصیر تلف گردید مستودع ثانی ضامن نیست بلکه ضامن کسی است که بدون اجازه مودع ودیعه را تسلیم دیگری نموده است.

۱۸ - هر شرطیکه در عقد ودیعه واقع میگردد اگر ممکن الاجراء و مقید باشد شرط مزبور صحیح و معتبر خواهد بود و الا شرط لغو است مثلاً اگر شرط شود باینکه مستودع حفظ کند ودیعه را در خانه خودش و مستودع ودیعه را بمحل دیگری نقل دهد بلحاظ حریقی که در خانه اش واقع شد شرط در این صورت معتبر نخواهد بود.

در صورتیکه بدون تعدی و تقصیر ودیعه از بین برود مستودع ضامن نمیشد.

۱۹ - چنانچه مودع بمستودع در حفظ ودیعه امر نماید و مستودع را از دادن ودیعه بزنش و یا به پسرش و یا برادرش و یا بامین نهی کند پس از آن نهی امری مستودع را مجبور به تسلیم ودیعه نزد یکی از اشخاص مذکوره که مودع نهی صریح نموده بود و مستودع هم قادر نباشد که امر آمر را اجرا نکند در این صورت نهی مودع بلا تأثیر است و معتبر شناخته نشده است و چنانچه ودیعه در نزد آن اشخاص تلف و یا مفقود گردید مستودع در قبال مودع ضامن نخواهد بود و هرگاه بدون اجبار مستودع ودیعه را با شخصیکه مودع نهی کرده بود تسلیم نموده است و ودیعه از بین رفت مستودع ضامن است.

۲۰ - اگر مودع شرط نماید که مستودع ودیعه را در اطاق معینی از اطاقهای خانه خود حفظ کند و مستودع برخلاف دستور در اطاق دیگری حفظ کرد در این مورد علماء علم حقوق تفصیل قائلند باینکه اگر اطاقهای خانه مستودع از حیث محل و بنا و غیره مساوی بایکدیگر باشند شرط مزبور معتبر نخواهد بود و در صورتیکه ودیعه تلف گردد مستودع ضامن نیست و اگر اطاقها از هر جهت با همدیگر تفاوت بین داشته باشند شرط مذکور را معتبر شناخته اند و مستودع مجبور است که ودیعه را در اطاقی حفظ نماید که مودع تعیین و شرط نموده است و چنانچه برخلاف شرط رفتار گردد و ودیعه تلف

و یا مفقود شود مستودع ضامن است .

۲۱ - هرگاه صاحب ودیعه غایب بوده و غیبت آن منقطع باشد بقسمیکه از حیات و ممات او بکلی بی اطلاع باشند مستودع مکلف بحفظ ودیعه است تا حیات و ممات مودع معلوم و روشن گردد.

۲۲ - چنانچه ودیعه از اشیائی باشد که در نگهداشتن خراب و فاسد شود در اینصورت مستودع مکلف است باذن حاکم شرع و استحضار مدعی العموم در صورت وجود ضغیر و یا مجنون و یا سفیه ودیعه را بفروش برساند و وجه حاصله از آنرا حفظ نماید و وجه مزبور در پیش مستودع امانت خواهد بود - و بعضی از علماء علم حقوق گفته اند که اگر مستودع ودیعه را نفروشد و بهمان حال در نزد خود نگهدارد و فاسد شود ضامن نمیشود زیرا او فقط مکلف بحفظ ودیعه بوده و از طرف مودع اجازه فروش نداشته است و ودیعه ایکه محتاج به نفقه است مثل حیوانات مخارج آنها بر عهده صاحب ودیعه است و مربوط بمستودع نیست .

۲۳ - اگر صاحب ودیعه غایب باشد مستودع مکلف است برای پرداخت نفقه ودیعه بحاکم صلاحیتدار مراجعه کند که آنچه اصلح و انفع تر بحال مودع است دستور دهد که مستودع اجرا کند مثلاً اگر حیوان و باشیئی دیگری که ودیعه گذارده شد و قابل اجازه دادن باشد بر حسب دستور مراجع صلاحیتدار مستودع ودیعه را اجازه میدهد و نفقه ودیعه را از مال الاجاره خواهد داد. و جب میزانیکه مرجع صلاحیتدار تعیین نموده است - و نیز بعضی از حقوقین قائلند باینکه مستودع سه روز متوالیاً با اعلام بحاکم شرع مخارج ودیعه را باید بپردازد و پس از انقضاء سه روز مستودع مجدداً بحاکم شرع مراجعه خواهد کرد و با اجازه حاکم ودیعه را میفروشد و مخارجی را که در سه روز نموده برمی دارد و با از صاحب ودیعه پس از آمدن خواهد گرفت و هر گاه بدون اجازه مراجع صلاحیتدار مستودع مخارج سه روزه ودیعه را پرداخته باشد گفته اند ذیحق در مطالبه نفقه از صاحب ودیعه نخواهد بود .

۲۴ - چنانچه ودیعه تلف گردید و یا نقصانی در قیمت

آن پیدا شد و سبب آن تعدی و تقصیر مستودع باشد ضامن خواهد داشت مثلاً اگر مستودع از نقود ودیعه برداشت نماید

و بمصرف شخصی خود زند و یا ودیعه را تلف کند ضامن می باشد و هر آینه نقود ودیعه را که بمصرف شخصی رسانیده بعداً عوض آنرا گذاشته باشد و پس از گذاردن عوض ودیعه تلف و یا مفقود گردد چنانچه بدون تعدی و تقصیر مستودع باشد ضامن نخواهد بود و الا ضامن است .

۲۵ - اگر مستودع حیوانی را که در پیش او ودیعه گذارد اند بدون اجازه مودع سوار شود و تلف گردد ضامن میباشد و ملازم است قیمت حیوان را بمودع بپردازد اعتم از اینکه تلف شدن حیوان در اثر سرعت سیر مسافرت بوده و یا سبب دیگری داشته باشد و یا بدون سبب تلف شده است علی کل حال مستودع ضامن میگردد و اگر حیوان مزبور در بین راه مسافرت بسرقت برود ضامن است .

۲۶ - هرگاه حریق در خانه مستودع واقع شود و مستودع نیز اقتدار حمل و نقل ودیعه را داشته باشد و ودیعه را نقل ندهد و بسوزد و ودیعه از بین برود مستودع ضامن میباشد

۲۷ - اگر مستودع احياناً ودیعه را با اجازه مودع مخلوط بمال دیگری بنماید و یا ودیعه بخودی خود مخلوط گردد بقسمیکه تفکیک و تفریق آن میسر و ممکن نباشد صاحب ودیعه در اینصورت شریک خواهد بود بقدر حصه خود در مال مخلوط شده و اگر ودیعه مخلوط شده تلف گردید و یا مفقود شد و تلف و مفقود شدن بدون تعدی و تقصیر باشد مستودع ضامن نخواهد بود .

۲۸ - حق ندارد مستودع که ودیعه را بدون اجازه مودع نزد دیگری بگذارد و چنانچه بدون اجازه گذارد و تلف گشت ضامن است و اگر علت تلف شدن ودیعه در پیش مستودع دویمی بواسطه تعدی و تقصیر او باشد در اینصورت مودع مختار است مستودع اولی و یا دویمی را ضامن قرار دهد و اگر مودع مستودع اولی را ضامن خود بداند مستودع اولی هم میتواند مستودع دویمی را ضامن خود قرار دهد و هرگاه ودیعه گذاشتن در نزد مستودع دویمی با اجازه مودع بوده و ودیعه تلف و یا مفقود گردید در اینحال مستودع اولی را ضامن ندانسته اند .

۲۹ - مستودع با اجازه مودع میتواند ودیعه را اجازه و یا عاریه و یا رهن دهد و هرگاه بدون اجازه اجازه عاریه

آن تعلق دارد و اگر صاحب ودیعه غایب باشد باید مستودع با استحضار مراجع صلاحیتدار از عواید حاصله از ودیعه مخارج ودیعه را بپردازد و هرگاه بدون اجازه عوائد حاصله را بمصرف ودیعه برساند مستودع ضامن خواهد بود.

۳۶ - اگر برای مستودع جنونی عارض شود که امید افاقه و رفع جنون در آن نرود و قبل از جنون مالی را در نزد او ودیعه گذارده باشند که بعد از جنون نیز مال در پیش او عیناً مشاهده گردد در اینصورت گفته اند مستودع باید شخصی را بعنوان کفیل و ضامن معتبر معرفی نماید و بمقدار و میزان ودیعه از دارائی مجنون با اجازه مراجع صلاحیت دار برداشت کنند و پس از آن مستودع چنانچه افاقه حاصل نمود و عاقل گردید ضامن باید ادعای استرداد ودیعه را از مستودع برای مودع بنماید و چنانچه مستودع ثابت نمود که بدون تعدی و تقصیر ودیعه تلف گردیده است و نیز قسم یاد نمود قول او مورد قبول واقع میگردد و بامر مراجع صلاحیتدار مالی را که از دارائی مستودع در حال جنون بجای ودیعه بر داشته باشند ملزم برد بمستودع میباشند.

۳۷ - هرگاه مستودع فوت نماید و عین ودیعه در ترکه متوفی موجود باشد در اینصورت در نزد ورثه مکلف هستند عین ودیعه را بصاحبش مسترد دارند.

۳۸ - چنانچه عین ودیعه در ترکه متوفی موجود نباشد و ورثه ثابت کنند که مورث در زمان حیات گفته است که ودیعه را بمودع مسترد نموده ام و با آنکه گفته باشد که ودیعه مفقود شده است بدون تعدی و تقصیر گفته اند که ورثه متوفی با این ترتیب ضامن نمیباشد.

۳۹ - اگر ورثه متوفی اظهار نماید که عین ودیعه را میشناسیم و نیز اوصاف آنرا نقل کنند و بعداً بگویند که پس از فوت مورث تلف و یا مفقود گردیده ورنه ملزم هستند بر طبق اظهار ثانوی خودشان در مراجع صلاحیتدار اتلاف و فقدان ودیعه را بدون تعدی و تقصیر ثابت نمایند و پس از ثبوت ضامن نخواهند بود.

۴۰ - هرگاه مستودع فوت نموده باشد بدون اینکه در نزد ورثه از ودیعه ذکری نماید و بودن ودیعه در ترکه متوفی مجهول باشد از ترکه متوفی بمقدار ودیعه با استحضار

و یا رهن داده شود و ودیعه تلف و یا مفقود گردد و یا در قیمت آن نقصانی حاصل شود مستودع ضامن است و اگر مستودع بدون اجازه مودع وجوه ودیعه را بدیگری قرض دهد و مودع هم از عمل مزبور اطلاع پیدا نموده و تصویب ننماید و ودیعه تلف و یا مفقود گردد مستودع ضامن خواهد بود.

۳۰ - هرگاه مستودع دین مودع را آداء نماید از وجوهیکه در نزد او ودیعه گذارده شده است و مودع رضایت نداشته باشد مستودع ضامن است.

۳۱ - هر وقت مودع تقاضای استرداد ودیعه را نمود مکلف است مستودع ودیعه را تسلیم کند و مؤنه و مخارج تسلیم ودیعه بر عهده مودع میباشد و اگر ودیعه را مودع مطالبه کرد و مستودع از تسلیم ودیعه خودداری نمود و تلف یا مفقود گردید ضامن میباشد و چنانچه عدم تسلیم ودیعه بلحاظ عنبر موجهی باشد در صورت اتلاف و فقدان ودیعه مستودع را ضامن ندانسته اند.

۳۲ - مکلف است مستودع ودیعه را شخصاً بمودع بدهد و با بامین او تسلیم کند و اگر ودیعه را بوسیله امین تسلیم کرد و قبل از وصول ودیعه بمودع تلف و یا مفقود گردید و بدون تعدی و تقصیر مستودع باشد گفته اند که مستودع در اینصورت ضامن نیست.

۳۳ - هرگاه دو نفر مالی را مشترکاً در نزد شخصی ودیعه بسپارند پس از سپردن یکی از شرکاء در غیبت دیگری از مستودع تقاضای استرداد حصه خود را بنماید در اینصورت اگر ودیعه از مثلثات باشد مستودع مکلف است که حصه تقاضا کننده را بدهد و اگر از قیمت ودیعه بوده حصه تقاضا کننده را نمیتواند تسلیم نماید.

۳۴ - در تسلیم ودیعه مکان ابداع را معتبر شناخته اند مثلاً اگر شخصی در کرمانشاه مالی را نزد کسی ودیعه بگذارد باید در همان محل مستودع ودیعه را مسترد دارد و مودع نمیتواند مستودع را مجبور نماید که در طهران ودیعه را تسلیم کند.

۳۵ - منافع حاصله از ودیعه بمودع تعلق خواهد داشت شیر و ماست و پنیر و پشم حیوانیکه ودیعه بوده است بصاحب

متوفی مخلوط گشته باشد باید بوسیله مراجع صلاحیتدار  
افزار آنرا خواستار گردند و اگر مستودع بدون اجازه مراجع  
صلاحیتدار ودیعه را بورئه مودع تسلیم نمود و تلف و یا  
مفقود گردید مستودع ضامن است

۴۲ - هرگاه در اثر اتلاف و یا فقدان ودیعه  
ضمان برای مستودع حاصل شد در این صورت اگر ودیعه  
از مثلیات بوده مستودع ضامن مثل است و اگر از قیمیات  
باشد مستودع ضامن قیمت است که باید بمودع تسلیم نماید  
محمود کفائی

مراجع صلاحیتدار مثل دیون متوفی برداشته میشود  
۴۱ - اگر ورئه متوفی نسبت بودیعه اظهار  
اطلاع نمایند بدون اینکه ذکرى از اوصاف ودیعه کرده  
باشند و بعداً بگویند ودیعه تلف و یا مفقود شده است در  
اینصورت قول ورئه را معتبر نشناخته اند مگر آنکه ورئه  
در مراجع صلاحیتدار اتلاف و یا فقدان ودیعه را ثابت  
کنند و چنانچه از ثبوت آن عاجز باشند ضامن خواهند بود  
و هرگاه مودع فوت کند و ودیعه در نزد مستودع موجود  
باشد مستودع ملزم است که پس از اخذ طلب خود ودیعه را  
بورئه متوفی تسلیم نماید و هرآینه ودیعه با ترک مستودع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی